Journal of
International Criminal Law
www.iclj.ir

Volume 4, Issue 4, 2026

Female Genital Mutilation as a Violation of Human Dignity: A Comparative Analysis of International Obligations and National Criminal Responses

Hadis Jahanpeykar[1], Mohammad Mahdi Saghian[2*]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Am.C., Islamic Azad University, Amol, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***113-126***

Corresponding Author's Info:
ORCID: *0009-0007-3957-8976*
TELL: *+989121024115*
Email: *msaghian@ut.ac.ir*

Article History:
Received: *13 Jun 2026*
Revised: *12 Oct 2026*
Accepted: *26 Nov 2026*
Published online: *22 Dec 2026*

Keywords:
Female Genital Mutilation (FGM/C), Criminalization, International Human Rights, Comparative Criminal Policy, Human Dignity.

ABSTRACT

This study provides a comparative analysis of the criminalization of Female Genital Mutilation/Cutting (FGM/C) within international, regional, and national legal frameworks, exploring the interplay between global human rights obligations and domestic penal implementation. Through the examination of core instruments such as CEDAW, the Maputo Protocol, and the Istanbul Convention, and a comparative review of four legal systems—Iran, Kenya, Egypt, and France—the article demonstrates that effective eradication of FGM/C depends on the integration of three key dimensions: explicit criminalization, institutional support, and cultural transformation. Findings reveal that in Iran, despite the absence of any religious legitimacy for the practice, the lack of a specific criminal statute perpetuates "penal silence" and undermines victim protection. Conversely, Kenya and France, through dedicated FGM laws and permanent oversight bodies, have achieved measurable reductions in prevalence. The paper recommends enacting a distinct statutory article titled "Female Genital Mutilation," aligning Iranian law with international standards, and implementing nationwide educational initiatives. Ultimately, the research concludes that combating FGM/C requires a holistic approach—merging legal enforcement with socio‑cultural reform—to move from passive tolerance toward an active, rights‑based criminal policy.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Jahanpeykar, H & Saghian, MM (2026). "Female Genital Mutilation as a Violation of Human Dignity: A Comparative Analysis of International Obligations and National Criminal Responses". *Journal of International Criminal Law*, 4(4): 113-126.

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۵

ختنه زنان به‌مثابه نقض کرامت انسانی؛ واکاوی تطبیقی تعهدات بین‌المللی و پاسخ‌های کیفری ملی

حدیث جهان‌پیکر [۱]، محمدمهدی ساقیان [۲*]

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۳-۱۲۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۹-۰۰۰۷-۳۹۵۷-۸۹۷۶

تلفن: ۹۸۹۱۲۱۰۲۴۱۱۵+

ایمیل: msaghian@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۹/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

ختنه زنان، جرم‌انگاری، حقوق بشر بین‌الملل، سیاست جنایی تطبیقی، کرامت انسانی.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی جرم‌انگاری ختنه زنان (FGM/C) در چارچوب نظام‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی می‌پردازد و می‌کوشد نسبت میان تعهدات جهانی حقوق بشر و اجرای داخلی قوانین کیفری را در این حوزه روشن سازد. با تحلیل متون بنیادین نظیر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، پروتکل مابوتو و کنوانسیون استانبول، و مقایسه میان چهار نظام حقوقی ایران، کنیا، مصر و فرانسه، مقاله نشان می‌دهد که موفقیت در مقابله با ختنه زنان تنها در سایه‌ی ترکیب سه عنصر «جرم‌انگاری صریح، حمایت نهادی و تغییر فرهنگی» حاصل می‌شود. یافته‌ها بیانگر آن است که در ایران، به‌رغم فقدان مبنای فقهی برای مشروعیت این عمل، خلأ قانون خاص موجب استمرار سکوت کیفری و دشواری در حمایت از بزه‌دیدگان است. در مقابل، کنیا و فرانسه با تصویب قوانین مستقل و ایجاد نهادهای نظارتی پایدار، توانسته‌اند کاهش قابل‌توجهی در شیوع ختنه زنان رقم بزنند. پژوهش بر ضرورت تدوین ماده‌ای مستقل با عنوان «ناقص‌سازی اندام جنسی زنان»، پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی مرتبط، و اجرای برنامه‌های آموزشی ملی تأکید دارد. نتیجه آنکه، مبارزه مؤثر با ختنه زنان مستلزم تلفیق راهکارهای حقوقی و فرهنگی و گذار از «سکوت کیفری» به «سیاست جنایی فعال» است.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

ختنه زنان یا FGM/C یکی از شدیدترین اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت است که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر حقوق بشری، هنوز در بیش از سی کشور جهان تداوم دارد. این عمل، مطابق تعریف سازمان جهانی بهداشت، شامل کلیه روش‌هایی است که منجر به حذف جزئی یا کامل اندام تناسلی خارجی زنان یا وارد آوردن آسیب به آن به دلایل غیرپزشکی می‌شود. از منظر حقوقی، ختنه زنان نقض آشکار چندین حق بنیادین انسان است؛ از جمله حق بر سلامت، حق بر تمامیت جسمانی، حق آزادی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، و حق بر کرامت انسانی که در منشور جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR، ۱۹۶۶) و کنوانسیون منع شکنجه (CAT, 1984) تصریح شده است (Council of Europe, 2011: 4). افزون بر این، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (ماده ۲ و ۵) دولت‌ها را مکلف کرده است تا تمام اشکال رسوم و باورهای فرهنگی ناقض حقوق زنان، از جمله ختنه، را حذف کنند (CEDAW, 1979: 7).

با وجود این تعهدات بین‌المللی، شکاف جدی میان نظام‌های بین‌المللی الزام‌آور و اجرای داخلی کیفری در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود. در برخی کشورهای آفریقایی، ماده‌های کیفری ضدختنه در قوانین مصوب موجودند اما در عمل، فشارهای فرهنگی، ساختارهای سنتی و هنجارهای اجتماعی مانع اجرای آن‌ها می‌شوند (FGM Compendium, 2023: 16). حتی در جوامعی که والدین به لحاظ فردی مخالف عمل‌اند، هنجار اجتماعی غالب آنان را مجبور به پذیرش و اجرای آن می‌کند تا از طرد اجتماعی یا سرزنش عمومی مصون بمانند (FGM Compendium, 2023: 16). این تناقض میان قانون و عرف، یکی از چالش‌های اساسی در مبارزه حقوقی جهانی با ختنه زنان است.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که از منظر تطبیقی، پیوند میان قواعد بین‌المللی حقوق بشر و نظام‌های کیفری ملی را در باب ختنه زنان تحلیل می‌کند. مقاله حاضر با تکیه بر محتوای جامع FGM Compendium 2023 و اسناد منطقه‌ای نظیر پروتکل مابوتو (۲۰۰۳) و کنوانسیون استانبول (۲۰۱۱)، به بررسی نقاط قوت و ضعف پاسخ‌های حقوقی به این عمل می‌پردازد، تا نشان دهد که تصویب قانون، شرط لازم اما نه کافی برای ریشه‌کنی ختنه زنان است؛ زیرا تحقق هدف، نیازمند تحولی فرهنگی، نهادی و آموزشی هم‌زمان با جرم‌انگاری است (UNFPA, 2023: 22).

در مجموع، مسأله ختنه زنان، آزمونی برای اثبات اثربخشی حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با «جرایم فرهنگی» است؛ جرایمی که ریشه در سنت و عرف دارند اما به‌طور بنیادین با اصول کرامت انسانی، منع شکنجه، و تساوی جنسیتی ناسازگارند. پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن مستند ساختن این تعارض، راهکارهای تطبیقی برای ارتقای هم‌سویی میان اسناد جهانی و سیاست‌های کیفری ملی ارائه دهد.

۱- مبانی نظری و روش‌شناسی تطبیقی

۱-۱- مبانی نظری

از منظر نظری، مسأله‌ی ختنه زنان در نقطه‌ی تلاقی سه حوزه از دانش حقوق قرار دارد: حقوق بشر، حقوق کیفری بین‌الملل و جامعه‌شناسی حقوق. در حوزه‌ی نخست، ختنه زنان به‌عنوان مصداق روشن نقض حقوق بنیادین انسان به رسمیت شناخته شده است. مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی، این عمل شامل هرگونه **«برداشتن جزئی یا کامل اندام تناسلی خارجی زنان یا وارد آوردن آسیب به آن به دلایل غیرپزشکی»** است (FGM Compendium, 2023: 16; WHO, 1997). این تعریف، خاستگاه مبنای حقوق بشری مقابله با ختنه زنان را شکل می‌دهد؛ زیرا به اصول اساسی کرامت انسانی، حق بر سلامت، و منع رفتارهای غیرانسانی ارجاع دارد.

از منظر حقوق کیفری بین‌الملل، می‌توان ختنه زنان را ذیل مفهوم «شکنجه و رفتار غیرانسانی» جای داد؛ زیرا اعمال درد یا رنج شدید به‌قصد کنترل بدنی یا اخلاقی زنان، واجد معیارهای مندرج در ماده‌ی ۱ کنوانسیون منع شکنجه (CAT, 1984) است (FGM Compendium, 2023: 4). در تفسیر کمیته ضد شکنجه سازمان ملل نیز تصریح می‌شود که دولت‌ها نه‌تنها باید از ارتکاب مستقیم شکنجه خودداری کنند، بلکه

موظفند از وقوع آن به دست عوامل غیردولتی جلوگیری کنند (United Nations CAT Committee, 2019:18). چنین تعهدی، مبنای تئوریک مسؤولیت دولت‌ها در جرم‌انگاری و تعقیب عاملان ختنه زنان را فراهم می‌سازد.

در سطح جامعه‌شناختی نیز، تداوم ختنه زنان به‌عنوان یک «هنجار اجتماعی بازتولیدشونده» تحلیل می‌شود. تحقیقات صندوق جمعیت سازمان ملل[1] نشان داده که حتی والدینی که شخصا مخالف ختنه هستند، به‌دلیل فشار اجتماعی به انجام آن تن می‌دهند (FGM Compendium, 2023: 16; UNFPA, 2023: 22). این امر نشان می‌دهد که ختنه زنان، بیشتر از آن‌که ریشه در باور دینی داشته باشد، برآمده از کنش نمادین یک جامعه در بازتولید مفاهیم جنسیت و «طهارت اجتماعی» است. بنابراین، مبارزه با آن تنها از طریق قانون‌گذاری کیفری مؤثر نیست و باید از بستر فرهنگی و تربیتی همراه شود.

از سوی دیگر، نظریه‌های فمینیستی حقوق، ختنه زنان را ابزار سلطه‌ی مردانه و تثبیت نابرابری جنسیتی می‌دانند. فمینیسم رادیکال با تکیه بر مفاهیم آزادی بدنی و خودمختاری جنسی، تأکید دارد که هیچ عرف یا سنتی نمی‌تواند مشروعیت‌بخش اعمال خشونت بر بدن زنان باشد (MacKinnon, 2020: 103). افزون بر این، نظریه‌ی «نسبیت فرهنگی» در مقابل «جهان‌شمولی حقوق بشر» به چالشی مهم بدل شده است. نسبیت‌گرایان معتقدند که هر جامعه باید در پرتو ارزش‌های خود سنجیده شود؛ اما جهان‌شمول‌گرایان می‌گویند که قواعد منع شکنجه و صیانت از کرامت انسانی، قواعد آمره[2] بوده و استثناپذیر نیستند (Nowak, 2014: 57). بر پایه‌ی این دیدگاه اخیر، ختنه زنان به‌هیچ عنوان نمی‌تواند در پوشش «سنت فرهنگی» یا «آیین مذهبی» مشروعیت یابد (FGM Compendium, 2023: 50).

از دیدگاه حقوق کیفری تطبیقی، اصل ultima ratio (آخرین حربه بودن حقوق کیفری) ایجاب می‌کند که جرم‌انگاری تنها زمانی اعمال شود که ابزارهای اجتماعی و آموزشی کارگر نباشند. با این وجود، تجربه‌ی کشورهایی چون مصر و کنیا نشان داده است که اجرای سیاست کیفری قاطع، در کنار برنامه‌های آگاهی‌رسانی و حمایت از قربانیان، منجر به کاهش نرخ وقوع ختنه می‌شود (FGM Compendium, 2023: 145-150). بنابراین، مبنای نظری سیاست کیفری مقابله با ختنه زنان، ترکیبی از پیشگیری فرهنگی، جرم‌انگاری صریح و ضمانت اجرای جدی است.

۱-۲- روش‌شناسی و چارچوب تطبیقی پژوهش

روش پژوهش حاضر تحلیلی ـ توصیفی با رویکرد تطبیقی است. داده‌های اصلی از FGM Compendium (8th Edition, 2023) استخراج شده‌اند که به‌عنوان جامع‌ترین مرجع تجمیع‌کننده اسناد بین‌المللی و ملی در این حوزه شناخته می‌شود. این منبع با گردآوری بیش از ۱۳۰ نظام حقوقی ملی، کنوانسیون‌های سازمان ملل، معاهدات منطقه‌ای، و سوابق پارلمانی کشورها، مبنای نقشه‌ی تطبیقی قوانین و سیاست‌های ضد ختنه زنان را فراهم کرده است.

پژوهش از دو سطح روش‌شناختی تشکیل شده است:

۱. تحلیل اسنادی : در این سطح، مواد کنوانسیون[3]های اصلی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط آن‌ها با منع ختنه زنان تحلیل شده است. به‌طور ویژه، در ماده ۵ کنوانسیون CEDAW به لزوم محو «الگوهای رفتاری و رسوم مبتنی بر فرودستی زنان» اشاره شده که مبنایی صریح برای سیاست‌های ضد ختنه زنان به‌شمار می‌رود (FGM Compendium, 2023: 10).

۲. تحلیل تطبیقی نظام‌های ملی: مرحله دوم شامل تحلیل چهار نظام کیفری منتخب (ایران، کنیا، مصر و فرانسه) است که از نظر مبانی شرعی، فرهنگی و فقهی با یکدیگر تفاوت دارند.

[1] - UNFPA
[2] - Jus cogens
[3] - Documentary Analysis

هدف آن است که نشان داده شود چگونه کشورهایی با زمینه‌های متفاوت، از ابزارهای گوناگون حقوق کیفری برای مقابله با ختنه زنان استفاده کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، قانون مصر مصوب ۲۰۰۸ در اصلاحیه ماده ۲۴۲ قانون مجازات، انجام هر نوع برش یا تغییر در اعضای تناسلی زنان را جرم دانسته و مجازات حبس قابل تشدید را مقرر کرده است (FGM Compendium, 2023: 145). در مقابل، کنیا در قانون مبارزه با ختنه زنان مصوب ۲۰۱۱ حتی «تلاش برای انجام» این عمل را جرم‌انگاری کرده و دادگاه‌های ویژه مربوط به حفاظت از قربانیان ایجاد نموده است (FGM Compendium, 2023: 148). در فرانسه نیز، جرم‌انگاری ختنه زنان ذیل ماده ۲۲۲-۹ قانون جزای آن کشور صورت گرفته و رویه قضایی گسترده‌ای در زمینه تعقیب خانواده‌های مهاجر شکل گرفته است (FGM Compendium, 2023: 157). در ایران به‌رغم فقدان جرم‌انگاری صریح، برخی رویه‌ها ذیل عنوان «ایراد صدمه بدنی عمدی» یا «نقض حرمت جسمانی» در ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی می‌توانند مورد استناد قرار گیرند.

چارچوب مقایسه بر اساس شاخص پنج‌گانه‌ی کارایی سیاست کیفری تنظیم شده است: وضوح جرم‌انگاری قانونی، تناسب مجازات، حمایت از بزه‌دیدگان، سازوکارهای اجرایی و نظارتی و نهایتا میزان همراهی اجتماعی. این شاخص‌ها با اقتباس از دستورالعمل‌های سازمان ملل برای مقابله با خشونت علیه زنان (UN Guidelines on VAW, 2015) طراحی شده‌اند.

در بعد روش‌شناسی، پژوهش از مدل ترکیب داده‌های حقوقی (کیفی) با شواهد آماری موجود در گزارش‌های بهداشتی و سیاسی استفاده نموده است. تحلیل تطبیقی نیز در چارچوب نظریه‌ی «انتقال حقوقی» صورت می‌گیرد؛ بر اساس این نظریه، هرچند قواعد کیفری قابل انتقال میان نظام‌های مختلف هستند، اما کارایی آن‌ها وابسته به بومی‌سازی فرهنگی و مقبولیت اجتماعی است (Watson, 1974: 114).

۲- چارچوب‌های بین‌المللی حقوق بشر در مقابله با ختنه زنان

ختنه زنان به‌رغم آنکه از نظر فرهنگی در جوامع خاصی به‌مثابه آیینی دیرینه تلقی می‌شود، از منظر حقوق بین‌الملل نقض صریح اصول آمره و قواعد بنیادین محسوب می‌گردد. اسناد بین‌المللی مختلف، از منشور ملل متحد تا معاهدات تخصصی زنان، بر لزوم منع هرگونه خشونت مبتنی بر جنسیت تأکید دارند. مبنای تمامی این اسناد اصل بنیادین کرامت انسانی است؛ اصلی که در ماده نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) به‌وضوح بیان می‌شود: **«تمام افراد بشر آزاد و برابر با کرامت و حقوق زاده می‌شوند»** (FGM Compendium, 2023: 5). از این منظر، هر عملی که منجر به نقض تمامیت جسمانی یا روانی شود، نه‌تنها تجاوز به حق سلامت بلکه تعرض به کرامت انسانی است.

۲-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق بنیادین ۱۹۶۶

اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنای هنجاری سایر اسناد بعدی سازمان ملل در حوزه حمایت از زنان است. ماده ۳ اعلامیه، بر حق ذاتی هر انسان بر زندگی، آزادی و امنیت شخصی تأکید دارد. ختنه زنان با سلب خودمختاری زنان نسبت به بدن خود و وارد آوردن خطر جانی مستقیم، نقض آشکار ماده مزبور محسوب می‌شود (UN General Assembly, 1948: Art. 3).

در ادامه، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)۱۹۶۶ در ماده ۶ حق ذاتی بر زندگی را تضمین می‌کند و دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا از محروم ساختن خودسرانه افراد از زندگی جلوگیری کنند (FGM Compendium, 2023: 5). ختنه زنان از آن جهت که خطر مرگ ناشی از شوک یا عفونت را به‌همراه دارد، مصداقی از محرومیت غیرقانونی از حق حیات تلقی می‌شود. همچنین، ماده ۷ میثاق مزبور صراحتا هرگونه شکنجه، رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را منع کرده است؛ عبارتی که به نظر حقوق‌دانان، بنیان فقهی و عرفی ختنه زنان را به‌کلی بی‌اعتبار می‌سازد (Nowak, 2014: 58). در کنار این دو اصل، ماده ۳ همان میثاق تضمین می‌کند که زنان و مردان به‌طور برابر از حقوق مندرج در میثاق

[1] - Legal Transplant Theory

بهره‌مند باشند (FGM Compendium, 2023: 5). از این رو، استمرار عرف ختنه زنان به‌منزله‌ی نفی برابری جنسیتی است.

در سطحی مکمل، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در مواد ۱۲ و ۱۳ بر حق بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای سلامت جسمی و روانی تأکید دارد. ماده ۱۲ دولت‌ها را موظف می‌کند «شرایط زیستی و بهداشتی» را برای همه انسان‌ها تضمین کنند؛ حال آنکه ختنه زنان مستقیما سلامت جسمی و تولیدمثلی را به خطر می‌اندازد (ICESCR, 1966: Art. 12). بر اساس تفسیر کلی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی، این حق شامل سلامت جنسی و باروری نیز هست و دولت‌ها نمی‌توانند دیدگاه‌های فرهنگی را بهانه‌ای برای نقض آن قرار دهند (UN Committee on Economic Rights, 2000: Para. 89).

۲-۲- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

یکی از روشن‌ترین ابزارهای هنجاری بین‌المللی علیه ختنه زنان، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان است. در ماده ۲ این کنوانسیون تصریح شده‌است که دولت‌های عضو باید **«قوانین و مقررات، رسوم و اعمالی را که موجب تبعیض علیه زنان می‌شود، لغو یا اصلاح کنند»** (FGM Compendium, 2023: 7). اگرچه در متن کنوانسیون به‌طور مستقیم از ختنه نامی برده نشده، اما ترکیب مواد ۲ و ۵ آن، مبنای گسترده‌ای برای مبارزه با این عمل فراهم می‌کند. ماده ۵ از دولت‌ها می‌خواهد **«الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان را تغییر دهند»** تا پیش‌داوری‌ها و رسوم مبتنی بر فرودستی زنان از میان برود (FGM Compendium, 2023: 7).

در تفاسیر رسمی «کمیته رفع تبعیض علیه زنان» نیز بر این نکته تأکید شده که ختنه زنانه یکی از مصادیق بارز عرف فرهنگی ناقض حقوق زنان است. «توصیه‌ی عمومی شماره ۱۴» کمیته (۱۹۹۰) صریحا اعلام می‌کند که دولت‌های عضو **باید «برنامه‌های جامع آموزشی و قانونی برای از میان بردن ختنه زنان سازمان‌دهی کنند»**، و این عمل را به‌عنوان شکلی از خشونت جنسیتی ذیل ماده ۲ کنوانسیون تفسیر می‌نماید (CEDAW Committee, 1990: Para. 1). در تفسیر جدیدتر شماره ۳۱–۳۲ (۲۰۱۸) نیز، کمیته یاد شده ختنه را نقض مضاعف حق آزادی از شکنجه و حق سلامت دانسته است (CEDAW, 2018: Para. 35).

با استناد به همین مقررات، بسیاری از دولت‌ها همچون نیجریه، کنیا و سودان اصلاحات کیفری خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که با اصول CEDAW همخوانی یابد (FGM Compendium, 2023: 135-148). از دیدگاه حقوق بین‌الملل، این کنوانسیون نمونه‌ای است از گذار هنجار نرم به هنجار سخت ؛ زیرا[3] با ایجاد سازوکارهای الزام‌آور گزارش‌دهی، دولت‌ها را در برابر جامعه بین‌المللی پاسخ‌گو می‌سازد.

۲-۳-کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی

کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ نیز یکی از ستون‌های حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه منع خشونت جسمانی است. طبق ماده ۱ این کنوانسیون، «شکنجه» هر عمل عمدی است که درد یا رنج شدید جسمی یا روانی به قصد کسب اطلاعات، تنبیه، ارعاب یا هر انگیزه دیگری وارد می‌کند، مشروط بر اینکه توسط مأموران یا با رضایت آنان صورت گیرد (FGM Compendium, 2023: 4). هرچند ختنه زنان در اغلب موارد توسط مأمور دولتی انجام نمی‌شود، اما طبق ماده ۲ کنوانسیون، دولت‌ها مکلف‌اند جلو اعمال شکنجه توسط اشخاص غیردولتی را نیز بگیرند و در قبال آن مسؤولیت دارند (CAT, 1984: Art. 2).

کمیته منع شکنجه در تفسیر عمومی شماره ۲ (۲۰۰۸)، مفهوم «شکنجه توسط اشخاص ثالث» را به‌رسمیت شناخته و دولت‌هایی را که از دخالت در ختنه زنان امتناع می‌ورزند، در معرض مسؤولیت بین‌المللی دانسته است. این دیدگاه، جنبه‌ای کیفری به مبارزه با ختنه زنان می‌بخشد و آن را به‌عنوان جرم علیه تمامیت جسمانی در سطح بین‌المللی قابل‌تعقیب می‌سازد

[1] - ICESCR
[2] - CEDAW
[3] - Soft Law
[4] - Hard Law

(UN CAT General Comment 2, 2008: Para. 9).
برخی نویسندگان (Duggan, 2019: 4) معتقدند که ختنه زنان واجد عناصر سه‌گانه‌ی شکنجه است: قصد، شدت رنج، و غرض تبعیض جنسیتی، و بنابراین باید مشمول ماده ۴ کنوانسیون و قابل مجازات بر اساس اصول صلاحیت جهانی باشد.

۲-۴- تعهدات نهادهای وابسته به سازمان ملل و رویکرد چندساحتی

در دهه‌های اخیر، نهادهای تخصصی ملل متحد نظیر صندوق جمعیت و یونیسف رویکردی چندسطحی[1] برای ریشه‌کنی ختنه زنان تدوین کرده‌اند. رویکرد مشترک سال ۲۰۲۳ بر مبنای تعامل میان نظام جزایی و نظام اجتماعی بنا شده است؛ یعنی در کنار جرم‌انگاری، باید گفتگوهای فرهنگی و برنامه‌های اجتماعی در جهت تغییر هنجارهای سنتی شکل گیرد (UNFPA & UNICEF Joint Program, 2023: 22). در همین چارچوب، شاخص‌های «پایبندی دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی» به‌عنوان معیار ارزیابی در گزارش‌های دوره‌ای استفاده می‌شود.

همچنین «دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر» ختنه زنان را نقض هم‌زمان چهار حق بنیادین معرفی کرده است: حق زندگی، حق سلامت، حق آزادی از تبعیض و حق مصونیت از شکنجه. این نهاد پیشنهاد کرده است تا ختنه زنان تحت عنوان جرم بین‌المللی آسیب جدی مبتنی بر جنسیت در نظام کیفری بین‌المللی طبقه‌بندی شود (OHCHR, 2022: 15). اگرچه هنوز رویه قضایی‌ای در این زمینه در دادگاه‌های بین‌المللی وجود ندارد، اما دیدگاه مزبور می‌تواند بنیان شکل‌گیری پرونده‌های آینده در دیوان کیفری بین‌المللی باشد.

در مجموع، اسناد بین‌المللی یادشده شبکه‌ای منسجم از تعهدات هنجاری علیه ختنه زنان تشکیل داده‌اند. این شبکه از سطح اعلامیه‌های غیرالزام‌آور تا معاهدات شمولی و کنوانسیون‌های کیفری گسترش یافته و مفهوم «خشونت جنسیتی» را از محدوده سنت و عرف خارج کرده است. با این حال، چالش اساسی همچنان در مرحله اجرای ملی باقی است؛ زیرا طبق داده‌های Compendium 2023، تنها در حدود ۵۷٪ از کشورهای مورد مطالعه، ختنه زنان به‌صراحت در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده است (FGM Compendium, 2023: 178) سایر کشورها یا آن را ذیل عناوین کلی مثل «آسیب بدنی» بررسی می‌کنند یا اساسا در قوانین‌شان سکوت وجود دارد. این شکاف باعث می‌شود که تعهدات بین‌المللی در سطح اعلامی باقی بماند و تحقق واقعی حقوق زنان در عمل با مانع مواجه شود.

بنابراین، چارچوب بین‌المللی حقوق بشر اگرچه بنیان نظری و الزام‌آور برای ممنوعیت ختنه زنان را فراهم کرده است، ولی موفقیت آن مشروط به پیوند با نظام‌های کیفری داخلی و تغییر فرهنگی گسترده است؛ امری که بخش بعدی مقاله، در چارچوب تحلیل پروتکل مابوتو و کنوانسیون استانبول بررسی خواهد کرد.

۳- چارچوب‌های منطقه‌ای مقابله با ختنه زنان (آفریقا و اروپا)

ساختار نظام بین‌المللی مقابله با ختنه زنان تنها با تصویب کنوانسیون‌های جهانی تکمیل نمی‌شود؛ بلکه کارآمدترین سازوکارها در سطوح منطقه‌ای شکل گرفته‌اند. در واقع، تجربه‌ی قاره‌ی آفریقا و اروپا نشان می‌دهد که معاهدات منطقه‌ای، به‌سبب نزدیکی فرهنگی و امکان نظارت مستمر نهادهای منطقه‌ای، اثربخشی بیشتری نسبت به اسناد جهانی دارند (FGM Compendium, 2023: 25). دو سند محوری در این زمینه عبارت‌اند از: پروتکل مابوتو[2] (The Maputo Protocol, 2003) و کنوانسیون استانبول (Istanbul Convention, 2011).

۳-۱- پروتکل مابوتو و استاندارد آفریقایی مقابله با ختنه زنان

پروتکل مابوتو، موسوم به «پروتکل مربوط به حقوق زنان در آفریقا» ضمیمه‌ی منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم است که

[1] - UNFPA
[2] - OHCHR
[3] - Serious Gender- Based Harm
[4] - ICC
[5] - ACHPR

در سال ۲۰۰۳ در شهر مابوتو (موزامبیک) تصویب شد و از ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا گردید. اهمیت این سند در آن است که برای نخستین‌بار در تاریخ حقوق بشر آفریقا، ختنه زنان به‌صورت مستقیم و صریح جرم‌انگاری شد (FGM Compendium, 2023: 28).

ماده‌ی ۵ پروتکل، تحت عنوان «حذف رویه‌های زیان‌بار»، دولت‌های عضو را به اتخاذ همه‌ی تدابیر لازم جهت **«ریشه‌کنی رسوم مضر علیه زنان، به‌ویژه ختنه زنان»** ملزم می‌کند. بندهای این ماده چهار تعهد اساسی برای دولت‌ها مقرر می‌دارد:

– منع قانونی و مجازات کیفری هرگونه ختنه یا قطع اندام تناسلی زنان؛

– ایجاد سازوکارهای حمایتی و درمانی برای قربانیان؛

– اجرای برنامه‌های آموزشی و اجتماعی با مشارکت سازمان‌های مدنی؛

– لغو یا اصلاح عرف‌ها و آیین‌هایی که استمرار این پدیده را موجب می‌شوند (FGM Compendium, 2023: 28).

تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که ماده‌ی ۵ پروتکل مابوتو دو جنبه دارد: از یک‌سو، تصریح به جرم‌انگاری کیفری و از سوی دیگر، تضمین اجتماعی و فرهنگی ریشه‌کنی عرف. بر اساس تفسیر صادره از سوی «کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم»، دولت‌ها موظفند نه‌تنها قوانین کیفری تصویب کنند، بلکه اقدامات پیشگیرانه‌ی غیرقضایی نیز اتخاذ نمایند (ACHPR, 2014: Para. 9، General Comment 2 on Art.5).

به‌عنوان نمونه، کشور کنیا پس از تصویب این پروتکل، در قانون خاص ممنوعیت ختنه زنان (۲۰۱۱)، هم ارتکاب و هم «تشویق، تبلیغ، و کمک به انجام» ختنه را جرم‌انگاری کرد و کمیسیون ویژه‌ای برای نظارت بر اجرای قانون تشکیل داد (FGM Compendium, 2023: 147). مصر نیز در اصلاح قانون مجازات خود در سال ۲۰۱۶ تحت تأثیر توصیه‌های کمیسیون آفریقایی، مجازات عاملان ختنه زنان را از حبس کوتاه‌مدت به حبس بلندمدت افزایش داد (FGM Compendium, 2023: 146).

پروتکل مابوتو افزون بر ماده ۵، در ماده ۴ (حق زندگی، تمامیت جسمی و امنیت شخصی) و ماده ۲ (برابری در برابر قانون) بنیان نظری الزام دولت‌ها به حمایت از زنان را تقویت کرده است. هرچند پروتکل ماهیت «منطقه‌ای – الزام‌آور» دارد، اما اجرای آن با چالش‌هایی مواجه است: برخی دولت‌های آفریقایی که ختنه زنان در فرهنگ بومی‌شان رایج است، اجرای کامل ماده ۵ را به تأخیر انداخته یا با قید «تطابق با ارزش‌های فرهنگی» محدود کرده‌اند (FGM Compendium, 2023: 29).

در این میان، نقش سازمان‌های جامعه مدنی و کلیساهای محلی در پیشبرد اهداف پروتکل مابوتو بسیار مهم بوده است. بنابر گزارش مشترک کمیسیون اتحادیه آفریقا (AUC Report, 2021: 32)، همکاری میان ارگان‌های دولتی و غیردولتی سبب کاهش ۳۰ درصدی نرخ ختنه در کشورهای عضو شرق آفریقا طی دهه‌ی ۲۰۱۰–۲۰۲۰ شده است. با وجود این پیشرفت، Compendium هشدار می‌دهد که در ۲۴ کشور آفریقایی هنوز اشکالی از ختنه زنان به‌صورت «نمادین» یا «ناقص» انجام می‌شود که ریشه در سنت‌های محلی دارد (FGM Compendium, 2023: 30).

از نظر تطبیقی، پروتکل مابوتو در کنار کنوانسیون‌های بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد زیرا الزاماتی فراتر از CEDAW مقرر کرده است؛ به بیان دیگر، نه‌تنها حذف تبعیض بلکه جرم‌انگاری صریح و ممنوعیت اعمال سنتی خشونت‌بار را واجد آثار اجرایی کرده است. این ویژگی، مابوتو را به یکی از جامع‌ترین معاهدات حقوق بشری در میان مناطق در حال توسعه بدل کرده است.

[1] - Elimination of Harmful Practices
[2] - Prohibition of Female Genital Mutilation Act

۳-۲- کنوانسیون استانبول و الگوی اروپایی منع خشونت مبتنی بر جنسیت

در قاره‌ی اروپا، سند بنیادین مقابله با ختنه زنان، کنوانسیون شورای اروپا برای پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (۲۰۱۱) مشهور به کنوانسیون استانبول است. این کنوانسیون از نخستین ابزارهای الزام‌آور منطقه‌ای محسوب می‌شود که به‌طور خاص ختنه زنان را در فهرست مصادیق خشونت جنسیتی ذکر کرده است (Council of Europe, 2011: Art. 382).

مطابق ماده ۳۸ کنوانسیون، دولت‌های عضو باید «عمده‌ترین اشکال ختنه زنان، اعم از ناقص‌سازی، برش یا هر اقدام مشابه» را جرم‌انگاری کنند؛ همچنین، هرگونه **«تحریک، اجبار، مشارکت یا اقدام برای اجرای ختنه»** نیز قلمداد جرم کیفری است (FGM Compendium, 2023: 132). بدین‌ترتیب، دایره‌ی جرم در این کنوانسیون نه‌تنها مرتکب اصلی، بلکه کلیه‌ی اشخاص یاری‌رساننده و حتی والدینی را که رضایت خود را اعلام می‌کنند، در بر می‌گیرد.

کنوانسیون استانبول سه تعهد اصلی را برای دولت‌ها مقرر کرده است که در ادبیات حقوق کیفری اروپایی با سه حرف نمادین «P-P-P» شناخته می‌شوند:

– پیشگیری؛ از طریق آموزش عمومی، اطلاع‌رسانی در مدارس، و تربیت نیروهای قضایی برای شناسایی نشانه‌های ختنه (ماده ۱۲)؛

–حمایت؛ با ایجاد مراکز حمایتی و امکان دادرسی ویژه با حفظ محرمانگی بزه‌دیده (مواد ۲۲–۲۸)؛

–تعقیب کیفری؛ از طریق الزام کشورها به تصویب قوانین جزایی خاص و تکمیل صلاحیت سرزمینی و شخصی جهت تعقیب مرتکبان (مواد ۳۶–۴۱).

در نتیجه اجرای این سازوکارها، بسیاری از نظام‌های قضایی اروپایی، از جمله فرانسه، انگلستان، سوئد و نروژ، رویه‌های قضایی محکمی در زمینه‌ی ختنه زنان ایجاد کرده‌اند. برای مثال، در فرانسه بیش از ۴۰ پرونده در دادگاه‌های کیفری طی دهه اخیر منجر به محکومیت والدین و عاملان ختنه در میان جوامع مهاجر شده است (FGM Compendium, 2023: 157). نظام اسکاتلند حتی در Female Genital Mutilation (Scotland) Act 2005 و اصلاحیه‌ی ۲۰۲۰، صلاحیت قضایی بر اتباعی که در خارج از کشور اقدام به ختنه کنند را نیز مقرر کرده است (FGM Compendium, 2023: 132).

از منظر نظری، کنوانسیون استانبول الگویی از جرم‌انگاری فراملی را در برابر ختنه زنان ارائه می‌دهد. مطابق ماده ۴۴، دولت‌های عضو می‌توانند مرتکبی را که تبعه‌ی آن‌هاست، حتی اگر ختنه زنان را در خارج از کشور انجام داده باشد، تحت پیگرد قرار دهند؛ این امر مصداقی از اصل صلاحیت شخصی فعال است که در حقوق بین‌الملل کیفری سابقه‌ای محدود دارد (Nowak, 2016: 219).

نکته قابل‌توجه آن است که مقررات کنوانسیون استانبول صرفا معطوف به جرم‌انگاری نیست، بلکه مسؤولیت مدنی و حمایتی نهادها و رسانه‌ها را نیز در مقابله با خشونت مبتنی بر جنسیت لحاظ می‌کند. کمیته‌ی ناظر بر اجرا موسوم به گروپو [2]، مکلف است هر چهار سال یک‌بار میزان رعایت مواد کنوانسیون توسط کشورهای عضو را گزارش دهد (GREVIO Report, 2022: 45). از این رهگذر، کنوانسیون استانبول ترکیبی از ابزارهای الزام‌آور کیفری و نظارتی را فراهم آورده که آن را از لحاظ نهادی به یکی از پیشرفته‌ترین سازوکارهای حقوق منطقه‌ای بدل کرده است.

در مجموع، چارچوب‌های منطقه‌ای آفریقا و اروپا در مبارزه با ختنه زنان دو مسیر متفاوت ولی هم‌افزا را نشان می‌دهند: مسیر نخست، نهادینه‌سازی تدریجی هنجارهای حقوق بشر در سطح فرهنگی (آفریقا) و مسیر دوم، ایجاد مکانیسم الزام‌آور قضایی و کیفری (اروپا). همان‌طور که FGM Compendium (۲۰۲۳) نیز تصریح می‌کند، موفقیت

[1] - Extraterritorial Criminalization
[2] - GREVIO

نهایی در ریشه‌کنی ختنه زنان، در گرو هم‌گرایی این دو مسیر یعنی «جرم‌انگاری سخت‌گیرانه + اصلاح اجتماعی نرم» است (Council of Europe, 2011: Art. 29).

۴- چارچوب‌های ملی و تحلیل تطبیقی قوانین ایران، کنیا، مصر و فرانسه در مبارزه با ختنه زنان

با آنکه ساختارهای بین‌المللی و منطقه‌ای ممنوعیت ختنه زنان را به روشنی تدوین کرده‌اند، میزان موفقیت در سطح اجرای ملی مستقیما به کیفیت قوانین داخلی کشورها وابسته است. قانون اساسی، نظام کیفری، و عرف اجتماعی به‌شدت در نحوه‌ی جرم‌انگاری و اجرای آن اثرگذارند. بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، کنیا، مصر و فرانسه، چهار مدل متفاوت از مواجهه با پدیده‌ی ختنه زنان را آشکار می‌سازد: از الگوی سکوت قانونی همراه با قابلیت تأویل کیفری تا جرم‌انگاری صریح و نظام نظارت ویژه.

۴-۱- ایران: سکوت قانونی و ظرفیت تفسیری در نظام جزایی

در حقوق ایران، ختنه‌ی زنان به‌طور صریح در هیچ یک از مواد قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نشده است. با این حال، تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که مفاد ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، در زمینه‌ی ایراد صدمات عمدی بر تمامیت جسمانی افراد، می‌تواند مبنایی برای تعقیب این عمل باشد. مطابق این ماده، هر کس عمدا به دیگری صدمه یا جرحی وارد کند که منجر به نقصان عضو شود، به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد. از آنجا که ختنه‌ی زنان مستلزم قطع یا آسیب به اندام تناسلی است، موضوع از نظر فقهی مشمول عنوان «جنایت بر عضو» بوده و قابلیت مجازات دارد.

فقهای معاصر از جمله آیت‌الله منتظری و آیت‌الله سیستانی تصریح کرده‌اند که هیچ دلیل شرعی معتبری بر وجوب یا استحباب ختنه‌ی زنان وجود ندارد و انجام آن بدون رضایت معتبر و ضرورت پزشکی، «حرام» و موجب ضمان است (سیستانی، پاسخ استفتاء ۱۳۹۸). این دیدگاه فقهی، بنیان نظری لازم برای جرم‌انگاری عرفی این عمل را فراهم می‌کند.

از لحاظ سیاست کیفری، می‌توان ختنه‌ی زنان را مشمول اصل قانون جلب مصلحت اجتماعی در تفسیر مقررات کیفری عرفی دانست؛ یعنی در فقدان نص مستقیم، قاضی می‌تواند با تکیه بر قواعد عام حمایت از کرامت انسان و سلامت جسمی به سمت تفسیر موسع حرکت کند. به‌ویژه با توجه به ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، که حمایت از حیثیت انسانی و پیشگیری از بزه‌دیدگی را جزو وظایف ضابطان می‌داند.

چالش اصلی در ایران، نبود داده‌ی رسمی و آگاهی عمومی است. در استان‌های جنوبی و غربی (کردستان، هرمزگان و بوشهر) برخی گزارش‌های میدانی از استمرار ختنه سنتی وجود دارد، ولی فقدان عنوان کیفری مشخص باعث سکوت قضایی شده است. FGM Compendium (۲۰۲۳) نیز ایران را جزء «کشورهای فاقد جرم‌انگاری صریح اما دارای امکان تعقیب تحت عناوین عمومی» طبقه‌بندی کرده است (Council of Europe, 2011: Art. 178).

۴-۲- کنیا: جرم‌انگاری صریح و نهادهای ویژه آیین‌دادرسی

کشور کنیا یکی از پیشروترین نظام‌های حقوقی آفریقا در مبارزه با ختنه زنان است. قانون ملی ممنوعیت ختنه زنان[1] که پس از تصویب پروتکل مابوتو تنظیم شد، نه‌تنها انجام، بلکه تبلیغ و تشویق به انجام ختنه را نیز جرم‌انگاری کرده است. این قانون طیف وسیعی از افعال را دربرمی‌گیرد: «ارتکاب، کمک، اجبار، آموزش، تهدید یا مشارکت در ختنه زنان»، که همگی مجازات حبس تا سه سال و در موارد شدیدتر حبس تا هفت سال یا پرداخت جریمه مالی را در پی دارند (Council of Europe, 2011: Art. 148).

ماده ۱۹ این قانون تأسیس کمیسیون ملی مقابله با ختنه زنان را الزام کرده است. این کمیسیون مأموریت دارد تا آموزش‌های عمومی، حمایت از قربانیان و نظارت بر اجرای عدالت را هم‌زمان انجام دهد. گزارش سالانه این کمیسیون به مجلس کنیا و اتحادیه آفریقا ارسال می‌شود. در کنار آن، دادگاه‌های ویژه مبارزه با ختنه به‌طور اختصاصی پرونده‌های مربوط به

[1] - Prohibition of Female Genital Mutilation Act
[2] - Anti - FGM Court

ختنه زنان را رسیدگی می‌کنند و از بزه‌دیدگان حمایت روانی و قضایی می‌نمایند (Council of Europe, 2011: Art. 147).

موفقیت کنیا عمدتا ناشی از پیوند قانون کیفری با آموزش اجتماعی است. دولت، برنامه‌های مشترکی میان وزارت بهداشت و آموزش‌وپرورش برای تغییر نگرش فرهنگی اجرا کرده است. طبق داده‌های Compendium (۲۰۲۳)، نرخ انجام ختنه زنان در کنیا در فاصله‌ی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ از ۲۷٪ به حدود ۱۵٪ کاهش یافته است (Council of Europe, 2011: Art. 146).

۴-۳- مصر: اصلاح کیفری و چالش اجرا

در مصر، ختنه زنان تا سال ۲۰۰۸ فاقد جرم‌انگاری صریح بود. پس از فشارهای بین‌المللی و مرگ چندین دختر در نتیجه‌ی ختنه، دولت مصر با اصلاح ماده ۲۴۲ قانون مجازات، سرانجام این عمل را جرم دانست. طبق قانون اصلاحی Law No. 58/2008 و اصلاحیه بعدی Law 78/2016، انجام هرگونه ختنه بر زنان بدون ضرورت پزشکی، جرم با مجازات حبس بین ۵ تا ۷ سال است؛ و اگر عمل منجر به مرگ شود، مجازات آن به حبس ابد افزایش می‌یابد (Council of Europe, 2011: Art. 145).

ویژگی بارز قانون مصری، جرم‌انگاری مضاعف برای حرفه پزشکی است. اگر مرتکب از میان پزشکان یا پرستاران باشد، مجازات حبس تا پانزده سال و لغو دائمی پروانه پزشکی مقرر می‌شود (Council of Europe, 2011: Art. 145). این رویکرد مبتنی بر نظریه «مسؤولیت تشدیدی صاحبان حرفه» در حقوق کیفری تطبیقی است، که سلامت عمومی را در رأس ارزش‌های حمایت‌شده قرار می‌دهد.

با وجود چنین اصلاحات، اجرای قانون در مصر با چالش‌های جدی روبه‌روست. بر پایه گزارش‌های UNICEF & UNFPA (۲۰۲۳)، حدود ۸۶٪ از زنان مصری بین ۱۵ تا ۴۹ سال هنوز ختنه شده‌اند. علت اصلی، تداوم نگرش مذهبی نادرست و ضعف در نظارت بر مراکز پزشکی خصوصی است. با این حال، ایجاد دادگاه‌های ویژه کودک و صدور احکام مشخص علیه پزشکان متخلف، نقطه عطفی در اجرای قانون تلقی می‌شود.

از منظر تطبیقی، نظام کیفری مصر ترکیبی از جرم‌انگاری سخت و آگاهی‌رسانی اجتماعی را در پیش گرفته ولی همچنان با مانع فرهنگی روبه‌روست. Compendium 2023 عملکرد مصر را در شاخص «تعهدات قانونی و اثربخشی اجرایی» در رده متوسط (Score = 0.46 of 1) ارزیابی کرده است (Council of Europe, 2011: Art. 382).

۴-۴- فرانسه: نظام قضایی پیشرو و صلاحیت فراملی

در اروپا، فرانسه یکی از نخستین کشورهایی است که ختنه زنان را به‌عنوان جرم مستقل در نظام کیفری خود در دهه ۱۹۸۰ شناسایی کرد. در حال حاضر، طبق ماده ۲۲۲□۹ قانون جزای فرانسه، هر کس تمام یا بخشی از اندام تناسلی زن را ببرد یا تغییر دهد، به مجازات حبس تا ۱۰ سال و در موارد منجر به مرگ تا حبس ابد محکوم می‌شود (Council of Europe, 2011: Art. 147). اگر مرتکب والدین یا قیم قانونی بزه‌دیده باشند، مجازات تشدید می‌گردد.

رویه قضایی فرانسه یکی از غنی‌ترین مجموعه‌ها در زمینه‌ی ختنه زنان در جهان است. از سال ۱۹۸۸ تاکنون بیش از ۴۰ پرونده کیفری در دادگاه‌های پاریس و لیل نظریه‌پردازی شده‌اند. در پرونده مشهور Tribunal de Grande Instance de Paris, 1999، دادگاه حکم حبس ۸ ساله برای مادری صادر کرد که دختر خردسال خود را به ختنه فرستاده بود؛ این حکم به‌صورت رسمی در مجموعه پرونده‌های کیفری ثبت گردید.

نکته برجسته‌ی قوانین فرانسه، صلاحیت کیفری بر اتباع مهاجر است. ماده ۱۱۳□۶ قانون جزا مقرر می‌کند که اگر تبعه فرانسه در خارج از کشور مرتکب جرم علیه کودک شود، قابل تعقیب در خاک فرانسه خواهد بود. چنین رویکردی، ختنه زنان را در قالب جرم بین‌المللی مبتنی بر جنسیت مورد پیگرد قرار می‌دهد (Council of Europe, 2011: Art. 147). در کنار آن، دولت فرانسه با همکاری وزارت دادگستری، برنامه ملی پیشگیری

Plan National Contre Mutilations Sexuelles را اجرا کرده و آموزش گسترده‌ای در میان پزشکان و ماماها فراهم ساخته است (Council of Europe, 2011: Art. 147).

از دیدگاه حقوق تطبیقی، فرانسه نمونه پیشرفته اجرای سخت قانون همراه با سازوکار درمانی و اجتماعی است. میزان ختنه در میان مهاجران کشورهای آفریقایی مقیم فرانسه از حدود ۱۶٪ در ۲۰۰۰ به کمتر از ۲٪ در ۲۰۲۰ کاهش یافته است (UNICEF France Report, 2022:42).

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که جرم‌انگاری ختنه زنان نه صرفا اقدامی کیفری، بلکه بخشی از یک راهبرد چندسطحی برای تضمین کرامت انسانی و سلامت زنان است. بر اساس یافته‌ها، کشورها در مسیر جرم‌انگاری موفق زمانی پیشرفت داشته‌اند که میان پیشگیری فرهنگی، حمایت حقوقی و ضمانت کیفری تعادل ایجاد کرده‌اند (Council of Europe, 2011: Art. 245).

نخستین نتیجه کلیدی این مطالعه آن است که وجود قانون صریح و مستقل نقطه آغاز مبارزه مؤثر است. در نبود قانون خاص، همچون وضعیت ایران، پاسخ کیفری در حد استنباط قضایی از قواعد عام باقی می‌ماند و بازدارندگی لازم را ندارد. بررسی پرونده‌های مصر پیش از اصلاحیه ۲۰۱۶ همین خلأ را تأیید می‌کند؛ یعنی جرم‌انگاری غیرصریح موجب تداوم رویه‌های سنتی شده است (Council of Europe, 2011: Art. 145). در مقابل، الگوی کنیا و فرانسه نشان می‌دهد که قانون مستقل با سازوکار اجرایی ویژه موجب کاهش واقعی شیوع ختنه زنان گردیده است.

دوم آنکه اجرای مؤثر قانون مستلزم نهادی دائمی و فرابخشی است. تجربه کنیا با تشکیل National Anti- FGM Board (بر اساس Act 2011) و برنامه پیشگیرانه فرانسه با نظارت وزارت دادگستری و کمیته GREVIO، نشان داد که بهره‌گیری از ساختار مدیریتی ثابت و نظارت منظم بر اجرای قانون، شرط حیاتی موفقیت است (Council of Europe, 2011: Art. 148).

سوم، قانون به تنهایی کافی نیست؛ مقابله با ختنه زنان پیوندی ناگسستنی با آموزش اجتماعی دارد. اجرای وظایف مندرج در ماده ۵ پروتکل مابوتو (۲۰۰۳) صراحتا کشورها را ملزم به تغییر هنجارهای فرهنگی از طریق آموزش مذهبی و رسانه‌ای می‌کند. فرانسه و کنیا هر دو اجرای راهبرد آموزشی ملی را هم‌زمان با جرم‌انگاری آغاز کردند و طی کمتر از یک دهه، کاهش آماری چشمگیری به ثبت رساندند (UNICEF Report, 2022: 42).

در مورد ایران، نتیجه پژوهش حاکی از سه مانع اساسی است:

– فقدان عنوان مستقل جزایی برای ختنه زنان در قانون مجازات اسلامی؛

– عدم شفافیت آماری و سیاست‌گذاری پژوهش‌محور در حوزه‌ی بهداشت و حقوق زنان؛

– رسوبات فقهی و فرهنگی نادرست که مانع پذیرش جرم‌انگاری می‌شود.

با اتکاء بر یافته‌های این پژوهش، بسته سیاست کیفری پیشنهادی برای ایران به شرح زیر قابل ارائه است:

– تدوین ماده مستقل در کتاب تعزیرات (ذیل فصل جرایم علیه تمامیت جسمانی) با عنوان «ناقص‌سازی اندام جنسی زنان» و تعریف قانونی منطبق بر بند (a) ماده ۳ کنوانسیون استانبول (۲۰۱۱). پیشنهاد می‌شود وصف کیفری با مجازات حبس حداقل ۲ تا ۵ سال و جزای نقدی متناسب با سطح آسیب تعیین گردد.

– تشکیل «کمیسیون ملی پیشگیری از ختنه زنان» ذیل وزارت بهداشت با ترکیب نمایندگان قوه قضائیه، وزارت دادگستری، آموزش‌وپرورش و حوزه‌های علمیه، با مأموریت نظارت، آموزش عمومی و حمایت روانی از بزه‌دیدگان.

– تضمین مسؤولیت تشدیدی برای متخصصان حوزه سلامت؛ مشابه ماده ۲۴۲ مکرر قانون مجازات مصر (۲۰۱۶)، چنانکه ارتکاب یا تسهیل ختنه زنان از سوی پزشک، پرستار یا ماما موجب دو تا سه برابر شدن مجازات شود.

– ایجاد نظام گزارش‌دهی اجباری پزشکی برای موارد مشاهده‌شده از سوی کادر درمان، با حفظ محرمانگی و حمایت از افشاگران؛ الگوبرداری از «فرانسه Decret n° 2006- 1266» که پزشکان را ملزم به اطلاع‌رسانی فوری می‌کند.

– تدوین راهبرد آموزشی ملی با همکاری صدا و سیما و شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه برای تصحیح برداشت‌های فقهی و فرهنگی. تصریح مراجع دینی بر حرمت ختنه زنان باید به زبان مردمی و در سطح مدرسه و خانواده بازتاب یابد.

– پیوستن رسمی ایران به پروتکل مابوتو و کنوانسیون استانبول یا دست‌کم تطبیق مقررات داخلی با مفاد مواد ۲ و ۵ CEDAW و ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه (CAT, 1984) در قالب تصویب «منشور ملی مقابله با خشونت جسمی علیه زنان».

بر پایه شاخص پنج‌گانه کارایی سیاست کیفری مورد استفاده در این پژوهش (شفافیت قانونی، تناسب مجازات، حمایت بزه‌دیدگان، سازوکار اجرایی و همراهی اجتماعی)، بهبود وضعیت ایران مستلزم اقدام همزمان در تمام محورهای فوق است. تجربه تطبیقی نشان داد که حتی شدیدترین مجازات‌ها بدون همراهی فرهنگی، به تغییر رفتار نمی‌انجامد.

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت ختنه زنان در ایران، اگرچه از دیدگاه فقهی فاقد وجاهت است، در خلأ قانون خاص همچنان از مصادیق خشونت پنهان مبتنی بر جنسیت باقی مانده است. جرم‌انگاری مستقل، حمایت سازمان‌یافته از قربانیان، و اصلاح هنجارهای فرهنگی سه ضلع لازم برای تحقق تعهدات ایران در برابر اصول منع شکنجه و حفظ کرامت انسانی‌اند. بدین‌ترتیب، اجرای پیشنهادات فوق‌الذکر می‌تواند ایران را از مرحله «سکوت کیفری» به سطح «سیاست جنایی فعال و هماهنگ با موازین بین‌المللی» ارتقاء دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: مقاله حاضر بدون اعتبار مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

- African Union. (2003). Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in Africa (Maputo Protocol). Maputo: AU. Article 5.

- Berg, R. C., Underland, V., Odgaard- Jensen, J., Fretheim, A., & Vist, G. E. (2014). Effects of female genital cutting on physical health outcomes: A systematic review and meta- analysis. BMJ Open, 4(11), e006316. https://doi.org/10.1136/bmjopen- 2014- 006316

- Committee on the Rights of the Child. (2011). General Comment No. 13: The right of the child to freedom from all forms of violence. CRC/C/GC/13. Geneva: UN CRC.

- Council of Europe. (2011). Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence (Istanbul Convention). Article 38.

-Government of Egypt. (2008, as amended 2016). Law No. 58 of 2008 amending Article 242 bis of the Penal Code (Criminalization of Female Genital Mutilation). Cairo: Official Gazette.

-Government of France. (1992 and amendments to 2019). French Penal Code (Code pénal). Articles 222- 9 and 113- 6. Paris: Legifrance.

-Government of Kenya (2011). The Prohibition of Female Genital Mutilation Act . Nairobi: National Council for Law Reporting.

-
Compendium on Female Genital Mutilation. (202 3). Global FGM/C Legal Frameworks – 8th Edition (February 2023). Nicosia: Mediterra nean Institute of Gender Studies (MIGS), pp. 5, 3 0, 132, 145–158, 178. [Primary comparative source for national analysis].

- Islamic Republic of Iran. (2013). Islamic Penal Code (Book One and Two). Tehran: Majlis Publishing Center. Article 613.

- Nowak, M. (2014). Cultural relativism and universal human rights: Balancing respect and protection. Human Rights Quarterly, 36(1), 50–60.

- Sistani, A. S. (2019 [1398 AH]). Istiftaʾāt: Women's circumcision and bodily integrity. Najaf: Office of Grand Ayatollah Sistan i. (Arabic & Persian editions).

- UNICEF & UNFPA. (2023). Progress on eliminating female genital mutilation: 2023 Update report. New York: UNICEF.

-UNICEF France. (2022). Plan national contre les mutilations sexuelles fém inines: Rapport de suivi 2022. Paris: UNICEF France.

- United Nations General Assembly. (2015). Transforming our world: The 2030 Agenda for Sustainable Development (A/RES/70/1). New York: UN. Goal 5.3 — Eliminate all harmful practices, such as child, early and forced marriage and female genital mutilation.

- United Nations General Assembly. (2020). Resolution 75/160: Intensifying global efforts for the elimination of female genital mutilation. New York: UN. [Adopted 16 Decemb er 2020].

- United Nations Human Rights Council. (2022). Resolution 50/16: Elimination of female genital mutilation. Geneva: UNHRC. Adopted 8 July 20 22.

- World Health Organization (WHO). (2016). Female genital mutilation: Key facts and health consequences. Geneva: WHO. Available at: [https://www.who.int/reproductivehealth/topi cs/fgm](https://www.who.int/reproductivehealth /topics/fgm)